



لیلاسلیقه‌دار
دکترای برنامه‌ریزی آموزشی

مدرسه

خاستگاه پرورش مطالبه‌گری

والدین نقشی ندارند!

یکی از راه‌های نقش‌آفرینی مجموعه عوامل در برنامه‌درسی ملی، استفاده از نظرات آن‌ها و فعالیتشان در اجرای برنامه‌درسی است. این برخلاف نظر افرادی است که تصور می‌کنند نقش‌آفرینی در برنامه‌درسی تنها به مشارکت در طراحی برنامه محدود می‌شود. دخالت ندادن والدین در اجرای برنامه‌های گوناگون تحصیلی یا اطلاع‌رسانی نکردن در این‌باره نیز به همین تصور نادرست مربوط می‌شود.

بر این اساس، برخی مدیران به اطلاع‌رسانی فعالیت‌های آموزشی و تصمیمات کلاسی خود به والدین دانش‌آموزان نیازی احساس نمی‌کنند. در چنین مدارسی، اغلب تلاش‌ها برای تربیت و آموزش، کمتر به نتیجه می‌رسد و خانواده و مدرسه مانند جزایری دور از هم و نامرتب با یکدیگرند.

خروج از محدوده

یکی از مشکلات برخی مدارس در رابطه با میزان و چگونگی دخالت و مشارکت والدین در برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی و تربیتی مدرسه، که بیش از حد انتظار و در برخی موارد نامرتب با حوزه تخصص آن‌هاست، تنها به گروهی از مادران و پدران تحت‌عنوان انجمن اولیا و مربیان محدود می‌شود.

در چنین شرایطی، این گروه از والدین تلاش می‌کنند در برنامه‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و روند اجرای فعالیت‌ها، نظرات خود را

اشاره

در برنامه‌درسی ملی، محیط یادگیری به گستره ظرفیت‌های نظام هستی معرفی شده است. بدیهی است در چنین گستره‌ای، خانواده دانش‌آموزان نقش و اهمیت زیادی دارند و می‌توانند در زمینه‌سازی و شکوفایی شیوه‌های یادگیری دانش‌آموزان مؤثر باشند. در این رابطه در برنامه‌درسی ملی آمده است: «خانواده از محیط‌های مهم و اثربخش تربیت و یادگیری به‌شمار می‌آید که در تعامل مستمر و مؤثر با مدرسه می‌باشد.» از این تعریف چنین برمی‌آید که ارتباط و تعامل مدرسه با والدین، کلید اصلی است که منجر به اثربخشی خانواده به‌عنوان محیط تربیت و یادگیری فراگیرندگان می‌شود. بر این اساس، هر اندازه انتظارات و مطالبات والدین از مدرسه افزایش می‌یابد، به همان اندازه مدرسه خود را در مسیر رشد و شکوفایی بیشتری قرار می‌دهد. البته شرط لازم برای اثربخشی انتظارات والدین این است که آن‌ها از طریق تعامل با مدرسه در جریان اهداف و مقاصد آموزشی و تربیتی قرار داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: والدین، مشارکت، خانواده، مطالبات

بیشتری برخوردار است. برای این منظور، اغلب مدارس دوره‌هایی را با عنوان آموزش خانواده برگزار می‌کنند. بدیهی است هر چه مدرسان دعوت شده برای این امر با اهداف آموزش و پرورش به صورت کلی و اهداف مدرسه به‌طور خاص، آشنایی بیشتری داشته باشند به همان اندازه امکان تأثیرگذاری این جلسات و افزایش و تناسب مطالبه‌گری آن‌ها از مدرسه افزایش می‌یابد. همچنین، لازم است جلسات آموزشی و توجیهی والدین از ویژگی‌های طراحی آموزشی که با زبان مخاطب هماهنگی دارد، برخوردار باشد. در عین حال، تلاش شود که خانواده دانش‌آموزان از یک ناظر منفعل به همراهی پرانرژی و مؤثر تبدیل شود. این امر وابسته به شناسایی دقیق‌تر مادر و پدر دانش‌آموزان و دریافت اطلاعات تحصیلی و شغلی آنان نیز هست، برای مثال، بهره‌گیری از دانش و تخصص والدین از جمله مواردی است که به توسعه محیط یادگیری فراگیرندگان از طریق تعامل سازنده والدین با مدرسه کمک می‌کند.

وقتی مدرسه به خانه می‌آید

از جمله مواردی که امکان مشارکت والدین در فعالیت‌های تحصیلی دانش‌آموزان را فراهم می‌کند، تکالیف هستند. در اغلب موارد، والدین با توجه به نوع و حجم تکلیف و نیز تناسب آن با علاقه‌مندی‌ها و توانایی‌های فرزندان خود به نقد مدرسه و نتیجه‌گیری درباره میزان اثربخشی مدرسه در پیشرفت فرزندان خود دست می‌زنند. این در حالی است که عدم توجه والدین به نوع و تأثیرگذاری هر یک از تکالیف، می‌تواند تمام نقشه‌های مورد انتظار مدرسه را نقش بر آب کند. به همین دلیل، تکالیف می‌توانند و باید از دو جهت مورد توجه معلم و مدرسه باشند: از یک سو معرف مقاصد آموزشی و پرورشی مدرسه هستند و با ورود خود به خانه، این مقاصد را برای خانواده نمایان می‌سازند. از سوی دیگر، لازم است خانواده دانش‌آموز در جریان چگونگی انجام برخی از انواع تکالیف مانند تکالیف پژوهشی^۱، قرار بگیرند و با همراهی خود، این تکالیف را به کلاس یا کلاس‌های آموزشی تأثیرگذاری تبدیل کنند.

با تکیه بر نکات یاد شده و در هر دو مورد لازم است بخشی از ارتباط و هماهنگی بین والدین و مدرسه به موضوع تکالیف و انتظارات آموزشی اختصاص یابد. در این ارتباط، لازم است خانواده‌های دانش‌آموزان از انواع تکالیف، نوع اجرا و میزان گستره حضور و همراهی با دانش‌آموزان در حین اجرا مطلع شوند. چنین آگاهی‌هایی، درک خانواده‌ها را از مقاصد مدرسه افزایش می‌دهد و به همراهی بیشتر آن‌ها می‌انجامد.

یک یادداشت اثرگذار

از دیگر راه‌های ایجاد ارتباط و هماهنگی بین خانواده و مدرسه، ارائه پیام‌هایی است که می‌تواند همراه دانش‌آموزان به خانه راه پیدا کند. در این فعالیت، همیشه جایی برای گفت‌وگو با خانواده در کنار فعالیت‌های فرزندان دیده می‌شود. ممکن است این گفت‌وگو به صورت مجازی و در محیط‌های ارتباطی مانند وبلاگ باشد که والدین به آن دسترسی دارند یا آنکه از طریق سنتی و در قالب



ابراز کنند و گاه تا انتها با مدرسه همراه شوند. این در حالی است که عده بسیار دیگری از والدین نمی‌توانند با مدرسه مشارکت و تعامل بیشتری داشته باشند و در برخی موارد در نقطه مقابل مدرسه قرار می‌گیرند. گاهی نیز این مخالفت در مقابل چشم فرزندان و با اطلاع از آن‌ها صورت می‌گیرد و همین امر، ناخواسته، اساس تمایل درونی فرزندان برای فراگیری را به هم می‌ریزد.

ممکن است چنین تجربه‌هایی نیز به تصمیم مدرسه برای اطلاع‌رسانی نکردن به والدین دامن بزند. لازم به یادآوری است که دخالت‌های غیرضروری و غیرقابل استناد در حوزه‌های تخصصی تعلیم و تربیت نه تنها از سوی والدین دانش‌آموزان بلکه توسط هر عامل و دسته دیگری در موضوع و گستره مشارکت خانواده‌ها در برنامه درسی ملی موردنظر نیست.

بر این پایه، داشتن تعریفی روشن از آنچه لازم است خانواده‌های دانش‌آموزان از آن آگاهی یابند یا به آن وارد شوند، برای مدیر و دیگر عوامل اجرایی مدرسه لازم و ضروری است. این ضرورت ما را وارد حوزه‌های آموزش و یادگیری و نیز تربیت و پرورش می‌کند که هر کدام ابعاد و تعاریف خاص خود را دارند.

در نگاهی ساده، ممکن است برای ارائه برخی متون و محتواهای آموزشی نیازی به همگام شدن خط به خط والدین نباشد اما در فعالیت‌هایی که به تعامل و مشارکت والدین نیاز دارند یا تصمیماتی که به ابعاد تربیتی دانش‌آموزان مرتبطاند، اطلاع و آگاهی ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

والدین آگاه، همراهان همیشگی

با وجود اهمیت آگاهی خانواده دانش‌آموزان از فعالیت‌های مدرسه و اهداف حاکم بر آن و نیز نوع و اندازه انتظارات معلم از دانش‌آموزان، چگونگی ایجاد این ارتباط و اطلاع‌رسانی از اهمیت

برگه‌ها و جزوه‌هایی به خانه و به دست والدین برسد. در چنین راه ارتباطی، بیان واضح، صمیمانه و کوتاه انتظارات تربیتی و آموزشی مدرسه از دانش‌آموزان و خانواده آنان می‌تواند تأثیرگذار باشد و به افزایش آگاهی و همراهی آنان با مدرسه بینجامد.

نباید فراموش کرد که این قبیل نوشته‌ها یک‌سویه نیستند و زمانی می‌توانند همدلی و همراهی بیشتری بیافرینند که امکان دریافت نظرات و برداشت‌های والدین برای مدرسه نیز وجود داشته باشد. اینکه مدیر تلاش کند تا مقاصد مدرسه را به اطلاع والدین برساند اما نداند آن‌ها چه برداشتی از این مقاصد دارند یا آنکه تا چه اندازه می‌توانند با مدرسه همراهی کنند، در واقع قدم گذاشتن در مسیری گنگ و مبهم است که می‌تواند رضایت کاذب برای مدیر به همراه آورد. برای پرهیز از چنین موقعیتی، لازم است به صرف آگاهی‌بخشی به والدین بسنده نشود و راه‌هایی برای دریافت نظرات آن‌ها پیش‌بینی گردد. این نظر دادن می‌تواند از طریق کتبی یا شفاهی و یا به صورت‌های مستقیم و غیرمستقیم صورت گیرد. گاهی به جز نظرخواهی مستقیم از والدین، می‌توان از بررسی عملکرد و نوع حضور و مشارکت آنان در فعالیت‌های موردنظر، متوجه میزان هماهنگی آنان با برنامه‌های تربیتی و آموزشی شد.

آموزشی مجزا، عملکرد خود را تشریح کنند یا در نوشته‌هایی کوتاه، موارد را به اطلاع آنان برسانند و از این آگاهی ایجاد شده در جهت ارتقاء سطح دانش‌آموزان بهره‌برداری کنند.

هماهنگی با یکدیگر

بدیهی است اقداماتی نظیر حضور والدین در کلاس‌های درس با هماهنگی معلم با مدیر و دیگر کارکنان مدرسه ارتباط مستقیم دارد و نیاز و ضرورت انجام دادن آن‌ها از طرف مدیران شایسته‌ای که به‌عنوان راهنمایان و رهبران آموزشی و تربیتی مدرسه فعالیت می‌کنند، احساس می‌شود. در چنین شرایطی، مدیر مدرسه تصمیم می‌گیرد با هماهنگی معلمان مدرسه، در هر جلسه از جلسات آموزش خانواده، زمانی را به یکی از معلمان اختصاص دهد تا پیام‌ها و انتظارات خود را انتقال دهند و در موقعیت چهره‌به‌چهره با مادران و پدران دانش‌آموزان قرار گیرند. بدیهی است در چنین شرایطی، دانش‌آموز به‌عنوان عضوی بدون خانواده دیده نمی‌شود و به‌طور ضمنی این پیغام را برای معلمان دارد که نمی‌توانیم در پرورش یک نهال از ریشه آن غافل باشیم. در این زمینه، پایداری معلم در صلاحیت‌های حرفه‌ای خود مقدم بر آگاهی مدیر است و می‌تواند در همسوسازی او در جریان فعالیت‌های مورد انتظار معلم تأثیر بیشتری داشته باشد و طلب و انتظار او برای دخالت در آموزش خانواده‌ها از جمله مهارت‌های حرفه‌ای معلم است اما بدیهی است که ایجاد این انتظار از سوی مدیر در ترغیب و تشویق بیشتر معلمان در انجام این کار تأثیرگذار است.

کوتاه سخن

در فرایند یاددهی یادگیری، مدرسه ناگزیر به انجام دادن فعالیت‌های گوناگونی است که در اغلب موارد به منظور دریافت نتیجه مورد انتظار، نیازمند بهره‌گیری از فرصت‌های دیگر، به جز منابع معمول در اختیار، مانند دانش‌آموزان و فضاهای مدرسه است که خانواده دانش‌آموزان از مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود. نتایج مطالعات گوناگون و تجارب مدارس حاکی از آن است که مطلع بودن خانواده دانش‌آموزان از فعالیت‌های آموزشی و تربیتی فرزندان خود در مدرسه و همسویی با آن‌ها به هم‌افزایی و نیز توفیق بیشتر برنامه‌ها منجر می‌شود.

بر این اساس، هر جا مدرسه تلاش می‌کند تا از هر طریق، شیوه‌های ارتباطی و بهره‌گیری از ظرفیت خانواده در امور آموزشی و پرورشی مدرسه را شناسایی کند، نیروی مضاعفی برای دریافت نتایج مورد نظر در می‌یابد. این نگاه به مدرسه به معنای قربت دو خانواده دانش‌آموز، یکی در مدرسه و دیگری در خانه است که منجر به احساسی خوشایند در دانش‌آموز برای پیگیری فعالیت‌های تحصیلی و نیز تحقق مقاصد تعلیم و تربیت می‌شود.

پی‌نوشت

۱. رجوع شود به کتاب: آموزگاران و پژوهش‌های دانش‌آموزی، (۱۳۹۱) مؤلفان: لیلیا سلیقه‌دار، مرتضی مجدفر، ابراهیم اصلاهی، تهران: انتشارات مدرسه.

تعامل مدرسه با والدین، اساس و بنیان افزایش مشارکت و تقویت مطالبه‌گری آنان است که به شکوفایی هر چه بیشتر مدرسه نیز می‌انجامد

مرا بشناسید

یکی از فعالیت‌های مؤثر در آموزش و افزایش آگاهی خانواده دانش‌آموزان، ایجاد امکان برنامه‌ریزی شده و هدفمند حضور والدین در کلاس‌های درس است. در این حضور، شرایط شناسایی اهداف و نوع برنامه‌های آموزشی و تربیتی در هر درس مهیا می‌شود که می‌تواند درباره شناخت بیشتر نوع کار و فعالیت‌های ارتباطی معلم با دانش‌آموزان نیز اطلاعات مناسبی در اختیار خانواده دانش‌آموزان قرار دهد تا بر این اساس، جهت کسب موفقیت‌های بیشتر راهنمایی‌های مؤثر و روشن‌تری به فرزندان خود ارائه دهند.

بدون تردید، چنین فعالیتی را فقط معلمان پیشنهاد می‌دهند یا می‌پذیرند که از صلاحیت‌های حرفه‌ای بالایی برخوردارند. آن‌ها می‌توانند در یکی از جلسات کلاس درس خود، نحوه آموزش و نوع انتظاراتی را که از دانش‌آموزان دارند، در معرض دید اولیای آن‌ها قرار دهند.

عده‌ای از معلمان نیز تصمیم می‌گیرند به جای برگزاری کلاسی مشترک برای دانش‌آموزان و خانواده آنان، در یک جلسه